

سیاست‌های کلان فرهنگی خانواده در پرتو آموزه‌های

دینی^۱

فائزه عظیم‌زاده اردبیلی^۲

فاطمه سرخ حصارى^۳

چکیده

مهم‌ترین بخش از مسائل عمده کشورها بخش فرهنگی است. با توجه به اهمیت و نقش فرهنگ و همچنین ضعف‌ها و خا‌له‌های اخلاقی و فرهنگی موجود در جهان امروز و تأکید بیش از پیش مقام معظم رهبری، اندیشه‌گران و سازمان‌های فرهنگی بر توسعه فرهنگی در دهه‌های اخیر و روند اجتناب‌ناپذیر آن، پرداختن به بحث فرهنگ و توسعه فرهنگی امری ضروری و گریزناپذیر به نظر می‌رسد. از طرف دیگر، سیاست‌های کلان فرهنگی خانواده مانند تولید مثل و ازدیاد جمعیت، کاهش نرخ طلاق و افزایش نرخ ازدواج پایدار، تحکیم و تعالی خانواده و ارتقای سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده باید مورد توجه و بررسی قرار بگیرد. سؤال اساسی در مقاله حاضر این است که فقه چه نقش مؤثری در توسعه سیاست‌های کلان فرهنگی خانواده که به آن اشاره شد، می‌تواند داشته باشد؟ نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد برقرار کردن ارتباط خانواده با فرهنگ اصیل ملی و دینی، تعامل سازنده خانواده با نهادهای علمی و آموزشی، قرابت خانواده با الگوهای رفتاری و گفتاری، نزدیکی خانواده با ابزارهای دانش افزایی مانند کتاب، به ویژه کتب فقهی می‌تواند زمینه ساز رشد و ارتقای فرهنگی و فکری خانواده و در نهایت اجتماع باشد. بدون شک احکام و قوانینی که به واسطه علم فقه از متون دینی استنباط می‌شود، عاملی شده تا جامعه و تمدن اسلامی شیوه زندگی مستقل را دارا شود و از فرهنگی پویا برخوردار گردد.

واژگان کلیدی

فرهنگ، پیشرفت فرهنگی، سیاست‌های کلان فرهنگی، تحکیم و تعالی خانواده

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۱۷؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۳/۱۶

۲- دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام پردیس خاوران، تهران، ایران. azimzadeh@isu.ac.ir

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و حقوق خانواده دانشگاه امام صادق علیه السلام پردیس خاوران، تهران، ایران. fatemesorkhehesary@yahoo.com (نویسنده مسؤول)

مقدمه

خانواده بنای زیبای زندگی مشترک و همگون زن و مرد در جهان آفرینش است. ریشه فرهنگی و تربیتی جامعه، در خانواده غرس می‌گردد و چگونگی وضعیت تربیتی، فرهنگی جامعه از نظر رشد، توسعه و بالندگی، و شرط پویایی و استواری آن بستگی به تعامل افراد با همدیگر و وجود روابط صحیح و پایدار در میان افراد خانه و خانواده دارد. تحصیل معرفت به این گونه روابط، نیازمند آشنایی هر یک از اعضا با وظایف و حقوق خویش است. اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت و مهد مودت و رحمت می‌شمارد و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش می‌داند. اسلام وظایف هر یک از زن و مرد و فرزندان را در خانواده متناسب با فطرت وجودی و شرایط جسمی و روحی آن‌ها مشخص کرده و نقش هر کدام را بیان نموده است.

از طرف دیگر، اصطلاح توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. یعنی در واقع، بعد از جنگ جهانی دوم، تغییرات و تحولات وسیع و گسترده‌ای به ویژه در روابط میان کشورهای استعمارگر و استعمار شده به وجود آمد. بعد از آن که متفکران و روشنفکران کشورهای در حال توسعه و جهان سوم در یک فرایند طولانی سعی و خطا، متوجه شدند که الگوی توسعه غربی، نمی‌تواند پاسخگوی دردها و نیازهای آن‌ها باشد و نمی‌تواند به توسعه یافتگی بینجامد، به سوی سیاست توسعه درون‌زا روی آوردند.

بیان مسأله

مقاله حاضر مجموعه‌ای از تحقیقات در خصوص مسائل مربوط به فرهنگ و پیشرفت فرهنگی و سیاست‌های کلان فرهنگی خانواده مانند تولید مثل و ازدیاد جمعیت، کاهش نرخ طلاق و افزایش نرخ ازدواج پایدار، تحکیم و تعالی خانواده و ارتقای سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده با رویکردی فقهی می‌باشد. در واقع، هدف این تحقیق بررسی و

تحلیل دستورات دینی در روابط خانوادگی، نقش‌ها و وظایف اعضای خانواده با استفاده از منابع اسلامی است.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

در ابتدا لازم است دو مفهوم توسعه و فرهنگ به طور جداگانه بررسی شود و سپس مفهوم پیشرفت فرهنگی مورد تامل قرار گیرد.

توسعه در لغت، به معنای خروج از لفاف و پوشش، وسعت دادن، فراخ کردن، بهتر شدن و قدرتمند شدن است (عمید، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۳۹). واژه توسعه به معنای شکفتگی تدریجی، بارز شدن بیشتر اجزای هر چیز و رشد چیزی است که در نطفه مکنون است (موسی پور، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۴۰).

به نظر می‌رسد توسعه به‌عنوان فرایندی چندبعدی که همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را پوشش می‌دهد، نشان‌دهنده یک حالت است؛ یعنی شرایطی که جامعه به‌طور کیفی از امکانات کمی خویش، در جهت آرمانی که برای خودش قائل است، به‌طور همه جانبه استفاده کند.

فرهنگ در لغت، به معنای علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت به کار می‌رود (عمید، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۵۳۶). هنگامی که دانشمندان علوم اجتماعی از اصطلاح فرهنگ استفاده می‌کنند، معمولاً به نسبت معنای روزمره این واژه، مفهومی گسترده‌تر را مدنظر دارند.

فرهنگ شامل آن چیزی است که ما انسان‌ها فکر می‌کنیم و آن چیزی است که داریم. پس فرهنگ مربوط به گذشته‌هاست و نیز راهنمایی است برای آینده (سهراب‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۷۳). در بیان تعریف پیشرفت فرهنگی گفته شده است: فرایند ارتقا و اعتلای شؤون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب را پیشرفت فرهنگی می‌نامند که بستر و زمینه مناسب را برای رشد و تعالی انسان‌ها فراهم می‌سازد (صباغ پور، ۱۳۸۵، ص ۴۲).

پیشرفت فرهنگی جریان دایمی و همیشگی است که نمی‌توان برای آن در جوامع انسانی حد نهایی معین کرد؛ پیشرفت فرهنگی از ابعاد اصلی فرایند توسعه محسوب می‌شود و بستر مناسب را برای توسعه فراهم می‌سازد.

پیشرفت فرهنگی خاصیت ملی دارد و در درون هر کشور و جامعه خاص صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، پیشرفت فرهنگی در هر کشور با کشورهای دیگر متفاوت است و هر کشور و جامعه‌ای می‌تواند مبتنی بر سنت‌های تاریخی خود، پیشرفت فرهنگی خاص خود را داشته باشد (موسی پور، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۴۶).

فرهنگ در اندیشه امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری

در بررسی نگاه امام(ره) به فرهنگ و فرهنگ ایرانی، ضرورت دارد در اندیشه‌های فرهنگی حضرت امام خمینی(ره) سیر نماییم تا بتوانیم به درون گفتمان فرهنگی ایشان نفوذ کنیم. امام خمینی(ره) با استناد به تعالیم اسلام و براساس اندیشه دینی، اساس جامعه را در فرهنگ آن می‌داند. برای تبیین دیدگاه‌های امام خمینی(ره) درباره محور بودن فرهنگ، هیچ بیانی رساتر از کلمات خود ایشان نیست.

حضرت امام خمینی قدس سره با استناد به تعالیم عالی اسلام، فرهنگ را اساس جامعه می‌داند و ضمن پذیرش نیازهای مادی و اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد وجودی انسان، نقش فرهنگ را تعیین کننده و امور دیگر را تابعی از آن می‌داند: «بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است»^۱.

حضرت امام خمینی قدس سره که ریشه تمامی معضلات جامعه را در بیماری‌های فرهنگی می‌داند، کرارا گوشزد می‌کرد که آفات فرهنگی مسموم‌کننده‌ای هستند که سیاست و اقتصاد جامعه را مسموم می‌کنند. چنین بینشی، ایشان را بیش از هر چیز به آسیب‌شناس فرهنگی در جامعه اسلامی سوق می‌داد؛ به همین دلیل در تمامی سخنرانی‌ها و آثارشان نوعی جهت‌گیری آگاهانه در راستای تبیین و توضیح مسائل فرهنگی، مشهود است.^۲

واضح است که اندیشه مقام معظم رهبری نیز به‌عنوان یک کل منسجم و واحد در افق‌های بلند مدت خود نقاط روشنی را دنبال می‌کند. یکی از مهم‌ترین بخش‌های اندیشه مقام معظم

۱- آثار و پیامدهای فرهنگ مستقل و فرهنگ وابسته، تهران، چماران، ۱۳۶۰ / ۶/۳۱

۲- هشدار به مسلمین جهان در مورد فلسطین و افشای جنایت‌های رژیم شاه، نجف، ۱۳۴۹/۱۱/۱

رهبری وجوه فرهنگی این کل منسجم و واحد است.

بررسی وجوه گسترده و متنوع اندیشه‌های فرهنگی مقام معظم رهبری از دو مسیر ممکن است. از طرفی بخش عمده‌ای از اندیشه‌های فرهنگی رهبر معظم انقلاب اسلامی از مجرای شورای عالی انقلاب فرهنگی و تحت نظارت شخص ایشان تئوریزه و در برنامه‌ریزی‌های کلان نظام مقدس اسلامی لحاظ می‌شوند، و از طرف دیگر توسط شخص ایشان و به مناسبت‌های مختلف در سخنرانی‌های گوناگون بیان می‌گردند که در این قسمت به خلاصه‌ای از این بیانات ارزشمند در زمینه فرهنگ اشاره می‌شود:

ایشان در تعریف فرهنگ و مسائل فرهنگی می‌فرمایند: «فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دایمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آن‌هاست؛ فرهنگ این است؛ این پس خیلی اهمیت دارد...»^۱.

در نگاه ایشان، فرهنگ از چنان اهمیتی برخوردار است که با سرنوشت اجتماعی ملت‌ها گره خورده است. این مسأله نشان‌گر اهمیت فرهنگ در اندیشه رهبر معظم انقلاب است: «فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است. چرا؟ چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هواست؛ اگر درست باشد، آثاری دارد...» (همان‌جا).

مقام معظم رهبری در حوزه فرهنگ نیز به تبیین وظایف حمایتی دولت می‌پردازند: «آنچه در مقوله فرهنگ بر عهده حکومت است، عبارت است از نظارت هوشمندانه، متفکرانه، آگاهانه، مراقبت از هرزروی نیروها و هرزروی علف هرزه‌ها، هدایت جامعه به سمت درست، کمک به رشد و ترقی فرهنگی افراد جامعه. دستگاه‌های رسمی فرهنگی کشور بایستی وظایف خودشان را در مقابل این‌ها انجام بدهند. البته بعضی از وظایف، وظایف ایجابی است، بعضی از وظایف هم وظایف دفاعی است؛ هر دوی این‌ها باید انجام بگیرد؛ هم وظایف ایجابی، هم

۱- بیانات، حرم مطهر رضوی، در اولین روز سال ۱۳۹۳

وظایف دفاعی...»^۱.

از مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در رابطه با فرهنگ که در بالا به فرازهایی از آن اشاره شد، این نکات مهم به دست می‌آید که:

- ۱- فرهنگ گستره‌ای از دین، اخلاق، ارزش‌ها، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات را شامل می‌شود که هر یک به شکلی در پندار و کردار افراد جامعه مؤثر بوده، نقش ایفا می‌کنند.
 - ۳- تمامی افراد جامعه به گونه‌ای در فضای فرهنگی آن تنفس می‌کنند و اعتقادات و رفتارشان متأثر از عناصر و ویژگی‌های خاص آن فرهنگ می‌باشد. افراد و آحاد هر جامعه‌ای رفتار، عملکرد و باورهای خود را به نوعی از آن جامعه می‌گیرند و یا در آن به بیان و ابراز آن می‌پردازند که هیچ یک خارج از فضای فرهنگی آن جامعه نیست.
 - ۴- از طرفی دیگر انقلاب اسلامی برای دستیابی به اهداف فرهنگی خود و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان، راهی جز این ندارد که از طریق دستگاه‌ها و ادارات، ساز و کار مطلوب خود را به وجود آورد و بسترها و زمینه‌هایی پدید آورد که در طی مسیر حرکت انقلاب، وصول به اهداف عملی گردد.
 - ۵- معظمله بر ضرورت وجود عناصر خبره و کارآمد فرهنگی در بخش‌های مختلف تأکید نموده‌اند. مسائل فرهنگی حقیقتاً در خور این است که به آن، با سعه صدر و اهتمام و دلسوزی عمیق و همراه با خبرگی و کارشناسی رسیدگی شود.
- بنابراین اهمیت فرهنگ، برای زمان و دوره ما، خیلی بالاست و کار فرهنگی باید مورد توجه جدی قرار گیرد. البته کار فرهنگی هم، کار پیچیده‌ای است و متولیان امور فرهنگی در بخش‌های مختلف باید در این زمینه تلاش کنند.

سیر تغییرات و تحولات فرهنگی در نهاد خانواده

پیامد فرآیند تجددگرایی در خانواده‌ها تغییر سرمایه فرهنگی و اجتماعی خانواده می‌باشد؛ به این معنا که سرمایه اجتماعی یعنی تغییر شکل دادن حمایت‌های اجتماعی خانواده، تنوع در

۱- بیانات، حرم مطهر رضوی، در اولین روز سال ۱۳۹۳.

شبکه‌های ارتباطی، که تنوع در نوع ارتباطات با همسایه‌ها، تنوع در شیوه دستیابی به اطلاعات و ارتباطات آن‌گونه که اکنون انسان‌ها را فارغ از زمان و مکان به هم وصل کرده، افزایش طلاق، افزایش حضور زنان در حوزه عملی، کاهش فرزندآوری، کم‌رنگ ساختن باورهای مذهبی خانواده‌ها، تغییر در نگرش‌های جنسیتی، چگونگی تغییر در شیوه گذراندن اوقات فراغت خانواده‌ها، میزان افزایش استفاده از رسانه‌ها، تغییر در ارتباطات دختران و پسران، به وجود آمدن شکل‌های جدیدی از خانواده‌ها تغییر در چگونگی حیات عاطفی خانواده‌ها و... می‌باشد و در این راستا تغییر شکل و یا فرسایش سرمایه فرهنگی و اجتماعی خانواده‌ها که ناشی از تجدد گرایی و نوگرایی خانواده می‌باشد، در روندی رو به رشد سیر صعودی خود را طی می‌نماید. سیر این تغییرات و تحولات را باید در لایه‌های زیر جستجو کرد:

۱- تغییر در ارزش‌ها و هنجارها

در درون خانواده، یک نظام ارزشی حاکم است و هریک از اعضا دارای حقوق، وظایف و مسؤولیت‌هایی در برابر دیگر اعضا در چهارچوب آن نظام هستند. در گذار از سنت به مدرنیته و به همراه تغییرات آشفته فرهنگی، خانواده دگرگونی‌های گسترده‌ای را تجربه می‌کند. بزرگترین مشکل خانواده امروزی یا مدرن در حال گذار از دوره سنت به مدرنیته، این است که بخشی از هنجارها و ارزش‌های نظام فرهنگی سنتی برایش کارکردی ندارد و بدیهی است که در توزیع وظایف، نقش‌ها و اهداف هم کارکردی نخواهد داشت و از طرفی هم خانواده امروزی هنوز تمام ارزش‌های نظام خانوادگی مدرن را نپذیرفته و به همین دلیل تعارضاتی میان خانواده‌های گذشته و فعلی وجود دارد.

مهمترین تغییرات را می‌توان تغییر در مناسبات و روابط دانست، هم در رابطه درون خانواده و هم در رابطه بیرون خانواده، همچنین در رابطه والدین با هم، رابطه والدین با فرزندان و رابطه خانواده با خانواده جدیدی که به وجود می‌آید. شیوه‌های همسرگزینی هم تغییر کرده و ازدواج یک امر فردی شده است. مناسبات زن و شوهر نیز تغییرات زیادی کرده است که مهم‌ترین آن‌ها اختلاط نقش است.

یکی دیگر از تغییرات، تغییر در مناسبات ارزشی است مثل کمک به هم‌نوع و مدنظر قرار دادن رضای خدا و عمل به سنت پیامبر ﷺ در امر ازدواج و... ارزش‌هایی مثل مادی‌گرایی و احترام بیش از حد به همسر و فرزند، جای ارزش‌های پیشین را گرفته است. یکی دیگر از آسیب‌ها مسأله طلاق است که در گذشته ابغض الحلال بود، ولی اکنون متأسفانه رشد بسیاری یافته است.

۲- تغییر ساختارها و شکل خانواده

تغییرات ناگهانی در درون خانواده همراه با تغییرات افراطی در اشکال خانواده بوده است. گسترش شهرنشینی، خانواده گسترده و سنتی گذشته، شامل پدر و مادر و فرزندان و پدربزرگ و مادربزرگ و نوه‌ها کاهش یافته و شکل غالب خانواده، مشهور به خانواده هسته‌ای است که شامل پدر و مادر و فرزندان ازدواج نکرده است. ویژگی امروز زندگی خانوادگی، الگوهای بسیار متعدد آن است، مانند خانواده‌های هسته‌ای، تک‌والدی، زندگی تجردی، خانواده‌های بدون فرزند، ازدواج‌های مجدد و پدرخواندگی و مادرخواندگی، ازدواج‌های قراردادی غیر سنتی و هم‌زیستی همجنس‌گرایان، نوع شکل‌های خانواده در جوامع مختلف در نتیجه نیازهای افراد و انتخاب‌های آنان ممکن است باشد/جمعی از نویسندگان داخلی و بین‌المللی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۶.

بر این اساس، تنوع ابعاد خانواده در طول تاریخ علاوه بر تحولات کمی، تغییرات کیفی هم به دنبال داشته است. با تغییر در ترکیب خانواده، تحولاتی هم در درون آن رخ می‌دهد که توجه کردن به آن‌ها و ارائه راه حل در جهت رفع معضلات می‌تواند نجات بخش جامعه باشد.

۳- فردگرایی و فردیت محوری

دگرگونی‌های فرهنگی در دهه‌های اخیر نیز در کاهش همبستگی خانوادگی و بی‌توجهی به ارزش‌های گروهی مؤثر افتاده‌اند. امروزه همدلی و یاری - که مهمترین دغدغه خانواده سنتی بود - تا حدودی رنگ باخته است. در نتیجه، با آن‌که به نظر می‌رسد درآمد خانواده‌ها

در مقایسه با گذشته افزایش یافته است، در مواقع اضطراری، حمایت‌های عاطفی و مالی کمتری از عضو در معرض آسیب یا آسیب دیده صورت می‌گیرد. خانواده گسترده نیز که در گذشته به ویژه در اوایل تشکیل خانواده و در هنگام بروز مشکلات، نقش امدادسانی داشت، امروزه به دلیل ضعف ارتباطات و کاهش همبستگی، قادر به ورود ثمربخش در زندگی آنان نیست (حق شناس، ۱۳۸۸، ص ۳۲). کارکرد رسانه‌های جمعی به ویژه رسانه‌های شنیداری و غیر متعامل به دلیل کارکرد متنوع خود و ایجاد تغییرات پیوسته، بتدریج جای ارتباط بین فردی، از نوع چهره به چهره را گرفته و موجب شده است فضای انفرادی، به جای فضای جمعی و عاطفی در خانواده حاکم شود؛ تا جایی که هر عضو خانواده، صرفاً در فضای فیزیکی مشترکی زندگی می‌کند، اما هیچ تعاملی با دیگران ندارند. نتیجه این می‌شود که افراد خانواده، به جای گفتگوی صمیمی با یکدیگر که می‌تواند به تقویت پیوندهای عاطفی و انسجام اعضای خانواده منجر شود، با ابزار الکترونیک ارتباط برقرار می‌کنند؛ ارتباطی که فاقد بار عاطفی، احساسی و هیجانی است. غلبه فرهنگ فردگرایی بیش از هرچیز در حس استقلال‌طلبی و فرار از تعهدات مؤثر بوده است. همین فرهنگ، زمینه کم شدن حس تعاون اجتماعی و پیوندهای گروهی را فراهم کرده است (همان، ص ۵۴).

۴- گسترش بحران عاطفی

کاهش روابط متقابل اعضای خانواده به دلیل گسترش وسایل ارتباط جمعی مثل تلویزیون و رادیو است. این فرایند را باید نوعی "بحران عاطفی" در خانواده‌ها قلمداد کرد. چون اعضای خانواده دور هم جمع می‌شوند، ولی توجه آنان به چیز دیگری خارج از خانه است. بر اثر خودخواهی محبوبیت‌ها زایل می‌شود، یکرنگی و اتحاد از بین می‌رود و کانون خانوادگی بر اثر آن ویران می‌گردد.

سیاست‌های کلان فرهنگی خانواده در پرتو آموزه‌های دینی

خانواده اولین، مهم‌ترین و فراگیرترین نهاد اجتماعی، در تاریخ فرهنگ و تمدن بشری محسوب

می‌شود؛ همچنین مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که در شرایط مختلف در تأثیر و تأثر متقابل با فرهنگ و عوامل اجتماعی است.

در تمدن اسلامی، یکی از مهم‌ترین عواملی که تاکنون توانسته است هویت مستقل فرهنگی به آن بدهد، فقه و قوانین فقهی است؛ زیرا فقه اسلامی، از ابتدا تا انتها و از طهارت تا دیات، آموزگار شیوه زندگی است. به عبارت دیگر، احکام و قوانینی که به واسطه علم فقه از متون دینی استنباط می‌شود، عاملی شده تا جامعه و تمدن اسلامی شیوه زندگی مستقل را دارا و از فرهنگی پویا برخوردار باشد.

حال با توجه به این که خانواده در جوامع اسلامی از مقدس‌ترین ارکان جامعه و مهم‌ترین نهادهای اجتماعی به شمار می‌آید، شایسته است که بیشترین توجه به این نهاد مقدس معطوف و در جهت تحکیم آن، سرمایه‌گذاری شود. بدیهی است که هر قدر پایه‌های خانواده مستحکم‌تر شود، آموزش و پرورش غنی‌تر، جامعه سالم‌تر، اقتصاد پویاتر و تعهدات دینی بیشتر خواهد شد.

امروزه شورای فرهنگی - اجتماعی زنان براساس بند سوم شرح وظایف خود مبنی بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جهت تقویت نهاد مقدس خانواده بر مبنای آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استوار ساختن روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی و نیز با بهره‌گیری از قرآن و سنت، قانون اساسی و دیگر قوانین جاری در نظام اسلامی ایران و رهنمودها و فرمایش‌های حضرت امام خمینی (ره) و بیانات روشنگرانه مقام معظم رهبری در مورد خانواده، اقدام به تهیه سیاست‌های تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده کرده است. اهدافی که در این مصوبه به آن‌ها اشاره شده است، عبارتند از:

۱- تحقق دیدگاه اسلام در خصوص اهمیت جایگاه، منزلت و کارکردهای خانواده در نظام اسلامی؛

۲- حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن

۳- ارتقای سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده به منظور ایفای نقش آن در سلامت

و بهبود فرهنگی جامعه؛

۴- همگرایی و هماهنگی در کلیه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در موضوع خانواده به

منظور بهبود وضعیت تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده؛

۵- آگاهی افراد خانواده از حقوق و وظایف یکدیگر و زدودن نگرش‌های غلط جامعه؛

۶- گسترش و تعمیق ارزش‌های اصیل اسلامی در خانواده برای تربیت نسل سالم، با

ایمان، مسؤول و مؤثر در رشد خود، خانواده و جامعه؛

۷- ایمن‌سازی خانواده از آسیب و بحران‌های اجتماعی و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده.

در این قسمت تلاش می‌شود مهم‌ترین سیاست‌های کلان فرهنگی خانواده و نقشی که

فقه می‌تواند در پیشرفت و توسعه این سیاست‌ها داشته باشد، مورد بررسی قرار بگیرد:

۱- تولید مثل و ازدیاد جمعیت

تولید مثل یکی از سیاست‌های کلان فرهنگی خانواده است که همواره بقای جوامع و

به طور کلی بقای نسل بشر را تضمین می‌کند. فرایند صنعتی شدن تأثیر عمده‌ای بر

کاهش میزان تولید مثل ایفا کرده است؛ اما عوامل دیگری مانند بالا بودن هزینه‌های

تشکیل و اداره خانواده، گسترش وسایل و فنون جدید ضد بارداری، حیات زن و تلاش

زنان برای دستیابی به استقلال و آزادی بیشتر نیز در این امر دخیل بوده‌است (بستان،

۱۳۸۷، ص ۶۸).

از نظر اسلام تولید مثل، فرایند انسان‌سازی و مسیری است که در آن جانشین خدا در

زمین، هستی می‌یابد، فرایندی که در آن با پرورش فرزندان با ایمان، دین خدا در زمین

گسترش می‌یابد (قرآن کریم زاد و ولد موجودات را لطف و مرحمت خدا و نشانه‌ای از

قدرت بی‌پایان او می‌خواند «و یمددکم بأموال و بنین و یجعل لکم جنّت و یجعل لکم أنهرا» (نوح، ۱۲).

در روایتی از پیامبر ﷺ نیز نقل شده است که ایشان تعداد هر چه بیشتر امت مسلمان را

وسیله مباحثات خود به دیگر امت‌ها در روز رستاخیز معرفی کرده است (عاملی، ج ۲۱، ص ۳۵۷).

کاملاً آشکار است که اسرائیل و کشورهای اروپایی سیاست‌های جدی تشویق به زاد و ولد

۱- اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن، مصوبه شماره ۵۶۴ مورخ ۱۳۸۴/۷/۴،

برگرفته از سایت شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده.

را اجرا می‌کنند و در این میان با توجه به آمارهای منتشر شده، صهیونیست‌ها از دیگران پیشی گرفته‌اند. در حالی که سیاست تبلیغ کاهش جمعیت از سوی دنیای غرب شروع و پیگیری شده است. بدین معنی که تعداد فرزندان در یک خانواده ایرانی، کمتر از تعداد فرزندان در یک خانواده صهیونیست اسرائیلی یا یک خانواده آمریکایی است. به همین دلیل در رابطه با بحث جمعیت مقام معظم رهبری بارها در سخنرانی‌های مختلف به این مقوله مهم اشاره کرده و آن را یک امر مهم خوانده‌اند (بیانات، دیدار اعضای همایش ملی تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه، ۱۳۹۲/۸/۸). بنابراین از نظر ایشان، امروزه بحث افزایش جمعیت از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و باید در این زمینه فرهنگ سازی صورت بگیرد.

۲- کاهش نرخ طلاق و افزایش نرخ ازدواج پایدار

اسلام ازدواج را مایه حفظ دین می‌داند که باعث تکامل معنوی بشر، محبت و تقرب الهی است؛ پس از آن بر بقای نسل، حفاظت از فطرت و کرامت انسان، عفت و حیای فردی و اجتماعی تأکید می‌کند. در کتب فقهی نیز به مسأله ازدواج و آداب آن و آثار و برکاتی که ازدواج بر زندگی انسان‌ها دارد، اشاره شده است؛ مواردی مانند نکوهش تجرد، مستحب مؤکد بودن ازدواج، خواستگاری و تشکیل خانواده، صفات زن و مرد نیکو برای ازدواج، مراسم عقد و احکام آن، مراسم عروسی و مستحبات آن، احکام و آداب آمیزش همه نمونه‌هایی از توجه فقه به فرهنگ و آداب و رسوم ازدواج می‌باشد/نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۲۹، ص ۸-۱۵؛ اصفهانی، فاضل هندی، ۱۴۱۶هـ ج ۷، ص ۹-۱۷؛ حلی، ۱۴۰۸هـ ج ۲، ص ۲۰۹-۲۱۴؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۹هـ ج ۲، ص ۲۳۶-۲۳۹. لذا می‌توان گفت در فقه به فرهنگ ازدواج و تشکیل خانواده و جلوگیری از شهوترانی اشاره شده است.

برای داشتن یک ازدواج پایدار، انتخاب همسر مرحله‌ای مهم و سرنوشت‌ساز محسوب می‌شود. روند رو به تزاید طلاق در سال‌های نخست زندگی مشترک، نشانگر نقصان بینش داوطلبان ازدواج در مسائل گوناگون از جمله امور مربوط به انتخاب همسر است. اسلام این مکتب حیات‌بخش که سعادت انسان را تضمین می‌کند، در خصوص موضوع انتخاب همسر معیارهای متعددی را ارائه کرده که در نظر داشتن آنها زمینه‌ساز تأسیس خانواده

مطلوب به شمار می‌رود.

حال در فقه چه معیارهایی برای انتخاب همسر بیان شده است که بتواند به سیاست کلان فرهنگی ازدواج پایدار و کاهش نرخ طلاق کمک کند؟ در اینجا چند معیار اصلی را که در فقه به آن اشاره شده و دارای اهمیت است بیان می‌کنیم:

الف- دینداری و ایمان به خداوند: معیارهایی در منابع اسلامی مورد توجه جدی قرار گرفته و رعایت آن شرط اساسی در همسرگزینی به شمار آمده است. در آیات قرآن نیز بر دارا بودن شرط ایمان در ازدواج تصریح شده است (بقره، ۲۲۱).

در فقه نیز یکی از معیارها برای انتخاب همسر، داشتن ایمان است و از ازدواج با فردی که فاقد ایمان باشد، نهی شده است (بهجت، ۱۴۲۶هـ ج ۳، ص ۵۹۵؛ زنجانی، ۱۴۱۹هـ ج ۷، ص ۲۰۶۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ ج ۵، ص ۸۲).

ب- برخورداری از حسن خلق: در اسلام ویژگی‌های اخلاقی مانند برخورداری از حسن خلق، از ویژگی‌ها و شرایط لازم برای همسر مناسب به حساب می‌آید. اساس زندگی زناشویی، سازگاری، تفاهم و همکاری است که این امور فقط در پرتو حسن خلق فراهم می‌شود. در فقه نیز به ازدواج با کسی که دارای حسن خلق است، سفارش شده که چنین فردی شایسته ازدواج می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۴۲۵هـ ج ۳، ص ۴۲۱؛ زنجانی، ۱۴۱۹هـ ج ۱۸، ص ۵۷۱۳).

ج- کفویت: در زمینه انتخاب همسر، بی‌شک کفویت یکی از معیارهای اصلی است. میان زن و مرد باید توافق فکری و تناسب روحی و اخلاقی وجود داشته باشد و دو همسر از نظر فرهنگ خانوادگی و روحیات، هم‌سطح یکدیگر باشند تا بتوانند به خوبی یکدیگر را درک کنند و کانون زندگی‌شان را گرم و پررونق نگه دارند. کفویت در جنبه‌های ایمانی، فکری، اقتصادی و... مطرح است، اما تکیه اساسی اسلام در کفویت، بیشتر بر مسأله ایمان و اعتقاد است که در فقه نیز مورد توجه قرار گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ ج ۲، ص ۱۱؛ حلی، ۱۴۰۸هـ ج ۲، ص ۲۴۳؛ زنجانی، ۱۴۱۹هـ ج ۱۱، ص ۴۰۳۷).

نگاهی به نحوه آشنایی، خواستگاری، ازدواج، مهریه و مراسم مربوط به پیوند انسان‌های بزرگ و معصوم بسیار مهمتر از خود آن اتفاق است. یکی از این پیوندها، ازدواج حضرت زهرا سلام الله علیها و حضرت علی علیه السلام به عنوان برترین بانوان و مردان عالم هستند و یادآوری این مناسبت در هر سال در واقع تذکر و یادآوری الگوها و معیارهایی است که در

زندگی آنان برای ما به ویژه برای نسل جوان است. در جریان ازدواج آن دو بزرگوار که به فرموده حضرت رسول ﷺ خداوند فاطمه را به ازدواج علی در آورد، نکات بسیار مهم آموزشی و الگویی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به کفو و همتا بودن، خواستگاری بدون واسطه، قناعت، دوری از اشرافی‌گری و تجملات، سخت نگرفتن بر همدیگر، ملاک قراردادن معیارها و خصوصیات معنوی و دینی و اخلاقی، مهریه پایین، بنا کردن زندگی بر پایه محبت و عشق واقعی از روی شناخت، حجب و حیا و... اشاره کرد. به این خاطر است که یک پیوند با این ویژگی‌ها پیوند آسمانی لقب می‌گیرد که رضایت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن وجود دارد.

در مقابل، طلاق به عنوان یک مسأله اجتماعی که در برگیرنده انحلال قانونی ازدواج و جدایی زن و شوهر است، به لحاظ تأثیرات گسترده در روند رشد جمعیت و همچنین دگرگونی ساختار خانواده حائز اهمیت بسزایی می‌باشد.

طلاق یک پدیده اجتماعی منبعث از مجموعه علل و عوامل متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاصه مباحث فرهنگی است و تعیین یک عامل اصلی و قطعی بروز طلاق امکان‌پذیر نیست.

در دین مقدس اسلام طلاق، سخت منفور و مبعوض است و اسلام با طلاق و انحلال کانون خانوادگی سخت مخالف است. نباید چنین تصور شود که اسلام در زمینه طلاق راه را از هر جهت برای مرد باز گذاشته است. در فقه، شرایط و موانع و مقرراتی برای طلاق قرار داده شده است که طبعاً موجب تأخیر طلاق و انصراف مرد از آن می‌گردد:

۱- اسلام طلاق را عملی بسیار مبعوض و منفور معرفی کرده است.

۲- در جایی که زمینه طلاق و از هم پاشیدگی خانواده فراهم شده است، قرآن کریم توصیه می‌کند که هر یک از زوجین نماینده‌ای از اقوام خویش را به عنوان داور تعیین کنند تا اختلافات و مشاجرات زوجین را بررسی کرده، تمام تلاش خود را برای حل اختلاف به کار برند و چنانچه نهایتاً داوران، جدایی و طلاق را تشخیص دادند، طلاق انجام گیرد/نساء، ۳۵.

۳- برای اجرای صیغه طلاق، حضور دو شاهد عادل ضروری است/حلی، ۱۴۰۸ هـ ج ۳،

ص ۱۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵ هـ ج ۲۵، ص ۲۴۵؛ اصفهانی، ۱۴۱۶ هـ ج ۱، ص ۴۴).

۴- اسلام، عادت ماهانه زن را مانع طلاق قرار داده است؛ بدین معنی که زن در هنگام طلاق باید پاک باشد/سبزواری، ۱۳هـ ج ۲۶، ص ۱۶؛ نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۳۲، ص ۲۹؛ خوانساری، ۱۴۰۵هـ ج ۴، ص ۴۹۸).

۵- قرار دادن عده در طلاق رجعی و این که تا گذشتن زمان عده، توصیه شده است که زن در خانه مرد باشد و نفقه زن در ایام عده بر عهده مرد باشد و مرد در این مدت بدون نیاز به اجرای صیغه عقد بتواند دوباره بازگردد و زندگی با همسر را از سر گیرد، همگی عواملی هستند که موجبات کاهش وقوع طلاق را فراهم می‌سازند/نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۳۲، ص ۱۸۷؛ موسوی خمینی، ۱۴۰۹هـ ج ۲، ص ۳۴۷؛ حلی، ۱۴۰۸هـ ج ۳، ص ۱۹).

بنابراین طلاق در اسلام بسیار مبعوض و مورد تنفر است؛ با این همه، در جایی که همه راه‌ها برای ادامه زندگی بسته باشد، اسلام راه جدایی را باز گذاشته است اما زن و مرد را ملزم به رعایت اصولی در هنگام طلاق ساخته است.

۳- تحکیم و تعالی خانواده

یکی دیگر از سیاست‌های کلان فرهنگی خانواده بحث تحکیم و تعالی خانواده است. در واقع بحث تحکیم خانواده مربوط به وظایف و حقوقی است که هر یک از افراد خانواده پس از تشکیل خانواده باید رعایت کنند. اهمیت پرداختن به موضوع تحکیم خانواده، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. از این رو اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می‌کند که بانیان آن یعنی زن و شوهر، در تحکیم و پایداری این بنا، نهایت سعی خود را بکنند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کرده‌اند، بر دوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود. در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی نیز به بحث تشدید مبانی خانواده توسط زن و شوهر اشاره شده است.^۱

منظور از تحکیم خانواده، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه اعضاست. قرآن کریم هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده را به سکونت رسیدن اعضا می‌داند/روم، (۲۱).

۱- ماده ۱۱۰۴: «زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود با یکدیگر معاضدت نمایند».

بنابراین لازم است همه رفتارها و تعاملات در راستای تحقق این هدف باشد. مهم‌ترین مؤلفه خانواده متعالی مبتنی بر دستورات دین مبین اسلام است و هدفشان دستیابی به یک زندگی سالم و پاکیزه است که قرآن کریم از آن به حیات طیبه یاد کرده است. در این جا باز هم می‌توان زندگی حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها را به عنوان نمونه ذکر کرد. این دو بزرگوار در مشکلات و سختی‌ها در کنار یکدیگر بودند و رضای خداوند را در زندگی بر همه چیز ترجیح می‌دادند. عمر زندگی‌شان کوتاه اما سرشار از عشق و علاقه و صمیمیت و فداکاری بود. زندگی ایشان می‌تواند تا آخر تاریخ یک الگوی کامل باشد.

با توجه به آنچه بیان شد، عوامل مختلفی می‌تواند بر تحکیم و تعالی خانواده اثرگذار باشد:

- ۱- یکی از این عوامل موثر، داشتن محیطی سالم و هدایت‌گر است. تأکید اسلام بر طهارت محیط، حفظ حدود الهی در جامعه و صیانت از فرهنگ اجتماعی از طریق امر به معروف و نهی از منکر، به دلیل تأثیر قهری مفسد بر فرد و خانواده است.
 - ۲- عامل دیگری که می‌تواند بر روی تحکیم و تعالی خانواده اثرگذار باشد، درک موقعیت و جایگاه خانواده از سوی اعضای آن است.
 - ۳- عامل اثرگذار دیگری که باید بدان اشاره کرد، تعیین دقیق وظایف، حدود، تکالیف و اختیارات است. در محدوده خانواده که کوچکترین واحد جامعه است، باید برحسب استعداد، روحیات و ظرفیت افراد، تقسیم وظایف شود.
- در رابطه با این عامل تحکیم و تعالی در خانواده اسلامی، مواردی از احکام فقهی وجود دارد که به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف- حقوق و تکالیف بین والدین و فرزندان: امروزه بسیاری از فرزندان در محیط نابسامان خانواده رشد می‌یابند و از تربیت درست و آرامش و سکون لازم برای رشد برخوردار نیستند. اسلام در این زمینه رهنمودهایی دارد که به ارزش و اهمیت پرورش کودک، توجه کامل می‌کند. در این باره، اصل ازدواج و شرایط زن و شوهر از نظر پاکی نسل و همچنین درباره شیر دادن و پرورش جسم و جان کودک، قدم به قدم وظایف را

بیان فرموده است که رعایت آن می‌تواند نابسامانی‌ها را از بین ببرد و ریشه تزلزل را از میان بردارد. در مقابل والدین که در طول زندگی فرزند، زحمات طاقت‌فرسایی برای او متحمل می‌شوند و از تمام وجودشان مایه می‌گذارند تا فرزندشان در آرامش و راحتی زندگی را به سر برد، اسلام که دین فطرت است و دستوراتش بر اساس فطرت انسان صادر گردیده، وظایفی را برای فرزند مشخص می‌کند تا بتوانند مقداری از زحمات والدین خویش را جبران کنند.

وظایف والدین قبل از تولد فرزند، وظایف والدین هنگام تولد و دوران شیرخوارگی، قرار گرفتن فرزند در محیط مناسب، حضانت و تربیت فرزند، جلوگیری از فساد اخلاقی کودک، محبت به فرزند و احترام به او، و در مقابل احترام فرزند به والدین خویش و وجوب اطاعت از آنها، حرمت عقوق والدین و... همه نمونه‌هایی از این حقوق و تکالیف است که به آن اشاره شد و در فقه به آن پرداخته شده است (شیرازی، ۱۴۲۹هـ ج ۱، ص ۲۰۷، ج ۳، ص ۲۶۸؛ حلی، ۱۴۰۸هـ ج ۲، ص ۲۸۸؛ سبزواری، ۱۴۱۳هـ ج ۲۵، ص ۲۷۷).

نمونه‌های ذکر شده به خوبی نشان می‌دهد که چگونه در فقه به زیبایی و دقت کامل به بحث فرهنگ و چگونگی تعاملات والدین و فرزندان در محیط خانواده توجه شده است که به کار بستن آن‌ها می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات پیش آمده در محیط خانواده باشد.

ب- حقوق و تکالیف بین زن و شوهر: حقوق و وظایف متقابل زوجین از اموری است که دین مبین اسلام برای تحکیم خانواده و رشد و بالندگی آن وضع کرده است. رعایت این حقوق و انجام مسؤولیت‌های مربوط به آن، سبب نزدیکی و صمیمیت بیشتر زوجین می‌شود و از بروز هرج و مرج در خانواده جلوگیری می‌کند.

حسن معاشرت، تحکیم مبانی خانواده، وفاداری، تمکین، مهریه، نفقه، اجرت‌المثل، ریاست شوهر، اطاعت از شوهر، عدم خروج از منزل بدون اذن شوهر، نمونه‌هایی از این حقوق و تکالیف است که در فقه مفصلاً به آن اشاره شده است (بحرانی، ۱۴۰۵هـ ج ۲۳، ص ۱۱۹؛ عاملی، ۱۴۱۳هـ ج ۱، ص ۱۵۷ و ۳۰۶؛ نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۳۱، ص ۲، ۱۴۶ و ۳۰۱؛ شیرازی، ۱۴۲۴هـ ج ۷، ص ۱۱۳، ۱۱۵ و ۱۱۶).

۴- عامل مؤثر دیگر در تحکیم و تعالی خانواده، بحث روابط جنسی است. خانواده به جهت

تولید مثل ناگزیر به توجه در زمینه‌های جنسی افراد خویش است؛ زیرا اگر احتیاجات زیستی انسان به قدر کافی برطرف نگردد، جامعه رو به نابودی و فساد خواهد رفت.

اکنون پرسش ما این است که دیدگاه اسلام درباره نیازهای جنسی چیست؟

با دقت در متون اسلامی، با طیف وسیعی از آیات مانند آیه ۲۱ سوره روم^۱ و روایات مربوط به حق همبستری که به موجب آن شوهر مجاز نیست بدون رضایت زن بیش از چهارماه از همبستر شدن با وی خودداری ورزد(عاملی، ۱۴۰۹هـ ج ۲، ص ۱۴۰) روبرو می‌شویم که در آن‌ها به غریزه جنسی انسان‌ها پرداخته‌اند.

اسلام برای قانونمند کردن روابط جنسی و محدود کردن آن به محیط خانواده، به مردان و زنان جامعه اسلامی دو توصیه مهم ارائه می‌دهد: اول آن که از همه مردان و زنان می‌خواهد به ارزش‌هایی که به کنش‌های جنسی انسان جهت می‌دهند و زمینه‌ساز طهارت اجتماعی‌اند، احترام بگذارند و به آن‌ها عمل کنند. تأکید اسلام بر ارزش حیا و عفت از این‌گونه توصیه‌های راهبردی است و در بینش اسلامی حیا و عفت به منزله خصلتی انسانی، مبنای روابط زن و مرد در فرهنگ اسلامی است(چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹).

توصیه دوم اسلام برای محدود سازی رفتارهای جنسی در چهارچوب خانواده این است که مردان و زنان محیط خانوادگی خود را به گونه‌ای بسازند که آمادگی کامل برای کامیابی همسران از یکدیگر را داشته باشند و زن یا مردی را که از این نظر کوتاهی کند، نکوهش می‌کند(همانجا).

در قانون مدنی نیز به این امر اشاره شده است که در صورت واقع شدن عقد صحیح نکاح، حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار می‌شود^۲.

در فقه نیز به بحث ارضای نیازهای جنسی که عامل مهم تحکیم و تعالی خانواده است، اشاره شده است. در اسلام هرگونه تجربه در خارج از برنامه خانواده، نتیجه‌ای جز انحراف، اسراف، بداخلاقی‌های جنسی و شهوت پرستی به دنبال ندارد. به علاوه، حق

۱- و من ایاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه...

۲- ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی: «همین که نکاح به طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.»

جنسی هیچ‌یک از زوجین در فقه نادیده گرفته نشده است و هر کدام به تناسب خود حقوق و تکلیفی بر عهده دارند. علاوه بر این، برای برقراری ارتباط جنسی در چهارچوب خانواده آدابی بیان شده است تا از هرگونه شهوترانی و سوء استفاده در این زمینه جلوگیری شود (نجفی، ۱۴۰۴ ج ۲۹، ص ۴۳؛ خمینی، ۱۴۰۹ ج ۲، ص ۲۳۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ج ۲۳، ص ۲۷؛ خوانساری، ۱۴۰۵ ج ۴، ص ۱۳۴).

۴- ارتقای سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده

خانواده، نخستین نهاد اجتماعی است که فرد در آن پا به عرصه زندگی می‌گذارد و اولین پایه‌های تربیت و تعلیم در آن گذارده می‌شود. از این رو، لازم است دانشمندان و متولیان امور فرهنگی برای اصلاح و ترقی جامعه به سراغ اصلاح، توانمند و سامان‌مند کردن نهاد خانواده بروند و تمام سیاست‌ها و جهت‌گیری‌ها را متوجه تشکیل پایایی و پویایی خانواده کنند تا نسلی فرهیخته و سالم تربیت شود.

از منظر اسلامی نیز تعلیم و تربیت از اهمیت بسزایی برخوردار است و تأکیدی که در روایات اسلامی بر آموزش قرآن کریم، اعتقادات دینی و احکام شرعی به کودکان و نوجوانان دیده می‌شود، گوشه‌ای از اهتمام اسلام به این موضوع سرنوشت‌ساز را نشان می‌دهد (عاملی، ۱۴۰۹ ج ۲۱، ص ۴۷۵).

از سوی دیگر، شریعت و بعد عملی آن، یعنی فقه، جایگاه ویژه‌ای در زندگی انسان دارد و مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها، زندگی او را احاطه کرده است. این دو عرصه با پیشرفت زندگی بشر و تحولات فرهنگی و اجتماعی، شکل جدیدی به خود گرفته و رسالتی نوین پیدا کرده است.

در فقه نمونه‌هایی از قول فقها نقل شده است که دلالت بر وجوب و اهمیت مسأله تربیت دارد که از سیاست‌های کلان فرهنگی خانواده است. نمونه‌هایی از آن بدین شرح است:

- ۱- بر پدر و مادر تعلیم فرایض دین واجب است و اجرت تعلیم فرایض از مال کودک است و اگر مالی نداشته باشد، بر عهده پدر است (حلی، ۱۴۱۹ هـ ج ۱، ص ۳۱۸).
- ۲- تأدیب و تربیت فرزندان از وظایف والدین است (گلپایگانی، ۱۴۱۲ هـ ج ۲، ص ۲۸۲).

بنابراین، فقه به عنوان دانشی که ماهیت دینی و اسلامی دارد، با تربیت به عنوان فرایندی که می‌تواند اسلامی باشد، دارای تأثیر و تأثراتی هستند که آثار و نتایج آن‌ها در جهت دهی نظام تعلیم و تربیت جامعه اسلامی آشکار می‌گردد؛ زیرا نقش فقه در تربیت، می‌تواند به فرایند اسلامی سازی تربیت کمک کند و بخشی از محتوای تربیت اسلامی را پوشش دهد. در قانون نیز مواردی مانند نگاه‌داری کودک^۱، حضانت و تربیت کودک^۲ و ولایت بر او^۳ نشان‌دهنده توجه قانون‌گذار به این مسأله می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

- ۱- در تعریف پیشرفت فرهنگی گفته شده است: فرایند ارتقا و اعتلای شؤون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب است که بستر و زمینه مناسب را برای رشد و تعالی انسان‌ها فراهم می‌سازد. پیشرفت فرهنگی خاصیت ملی دارد و در درون هر کشور و جامعه خاص انجام می‌شود.
- ۲- خانواده در زمره حساس‌ترین نهادها در رابطه با تغییرات است و دگرگونی‌های عمیق اجتماعی، تغییرات وسیعی در آن به وجود آورده است که می‌توان به تغییر در ارزش‌ها و هنجارها، تغییر در ساختار و شکل خانواده، فردگرایی و فردیت محوری و گسترش بحران عاطفی اشاره کرد.
- ۳- در تمدن اسلامی، یکی از مهم‌ترین عواملی که تاکنون توانسته است هویت مستقل فرهنگی به آن بدهد، فقه و قوانین فقهی است.
- ۴- از سیاست‌های کلان فرهنگی خانواده می‌توان به تولید مثل و ازدیاد جمعیت، کاهش نرخ طلاق و افزایش نرخ ازدواج پایدار، تحکیم و تعالی خانواده و ارتقای سطح فرهنگی و تربیتی اعضای خانواده اشاره کرد که قوانین فقهی نقش بسزایی در توسعه هرکدام از

۱- ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی: «نگاه‌داری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است».

۲- ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی: «هیچ یک از ابوبین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آن‌هاست از نگاه‌داری او امتناع کنند...».

۳- ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی: «طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد...».

آن‌ها ایفا می‌کند.

با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه، به نظر می‌رسد برقرار کردن ارتباط خانواده با فرهنگ اصیل ملی و دینی، تعامل سازنده خانواده با نهادهای علمی و آموزشی، قرابت خانواده با الگوهای رفتاری و گفتاری، نزدیکی خانواده با ابزارهای دانش‌افزایی مانند کتاب، به ویژه کتب فقهی و کتابخانه، رایانه و اینترنت، محافل دینی، علمی، تربیتی و آموزشی، نشریات مناسب و... می‌تواند زمینه‌ساز رشد و ارتقای فرهنگی و فکری خانواده و در نهایت اجتماع باشد.

منابع

قرآن کریم

- اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، *كشف اللثام و الأبهام عن قواعد الأحكام*(۱۴۱۶هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، چاپ اول
- بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، *الحقائق الناضره فی احام العتره الطاهره*(۱۴۰۵هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول
- بستان(نجفی)، حسین، *اسلام و جامعه شناسی خانواده*(۱۳۸۷)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم
- جمعی از نویسندگان داخلی و بین المللی، *خانواده و جهانی شدن*(۱۳۸۶)، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چاپ اول
- چراغی کوتیانی، اسماعیل، *خانواده، اسلام و فمینیسم: تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده*(۱۳۸۹)، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول
- حقوق شناس، جعفر، *آسیب شناسی خانواده*(۱۳۸۸)، تهران، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، چاپ اول
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف مطهر اسدی، *نهایه الأحكام فی معرفه الأحكام*(۱۴۱۹هـ)، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول
- حلی (محقق)، نجم الدین، جعفر بن حسن، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*(۱۴۰۸هـ)، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم
- خوانساری، سید احمد بن یوسف، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*(۱۴۰۵هـ)، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی، *صراط النجاه*(محتشی)(۱۴۱۶هـ)، قم، مکتب نشر المنتخب، چاپ اول

زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب النکاح (۱۴۱۹هـ)، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز،

چاپ اول

سبزواری، سید عبد الأعلى، مذهب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام (۱۴۱۳هـ)، قم، مؤسسه

المنار، چاپ چهارم

سهراب‌زاده، مهران، فرهنگنامه آسیب‌های اجتماعی (۱۳۸۹)، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان،

چاپ اول

شیرازی، قدرت الله انصاری، موسوعه احکام أطفال و أدلتها (۱۴۲۹هـ)، قم، مرکز فقهی ائمه

اطهار علیهم السلام، چاپ اول

مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح (۱۴۲۴هـ)، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن طالب،

چاپ اول

صباغ پور، علی اصغر، «توسعه فرهنگی و ساختار توسعه ایران» (۱۳۸۵)، تهران، فصلنامه

راهبرد، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۴۲، پاییز و زمستان

عاملی، حر، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (۱۴۰۹هـ)،

قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول

عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام (۱۴۱۳هـ)،

قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول

عمید، حسن، فرهنگ عمید (۱۳۸۲)، تهران، امیر کبیر، چاپ بیست و ششم

کربلایی، محسن، زن و بازیابی هویت حقیقی (گزیده بیانات حضرت آیت الله العظمی سید

علی خامنه‌ای) (۱۳۹۰)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ سوم

گلیپایگانی، سید محمد رضا موسوی، الدر المنصور فی احکام الحدود (۱۴۱۲هـ)، قم،

دارالقران الکریم، چاپ اول

گیلانی، فومنی، محمدتقی بهجت، جامع المسائل (۱۴۲۶هـ)، قم، دفتر معظم له، چاپ دوم

مرکز صهبا، رعدغه‌های فرهنگی (شرح مزجی یکی از بیانات مقام معظم رهبری در سال

۱۳۷۳ با استفاده از دیگر بیانات معظم له) (۱۳۹۱)، قم، مؤسسه جهادی، چاپ هجدهم

موسوی خمینی، سید روح الله موسوی، *تحریر الوسیله* (۱۴۰۹هـ)، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول
موسوی پور، نعمت الله، *جامعه و فرهنگ* (مجموعه مقالات) (۱۳۸۰)، تهران، انتشارات آرون، چاپ دوم
نجفی، محمدحسن، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام* (۱۴۰۴هـ)، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم

منابع اینترنتی

<http://imam.khomeini.ir>
<http://farsi.khamenei.ir>
<http://zn.farhangolm.ir>